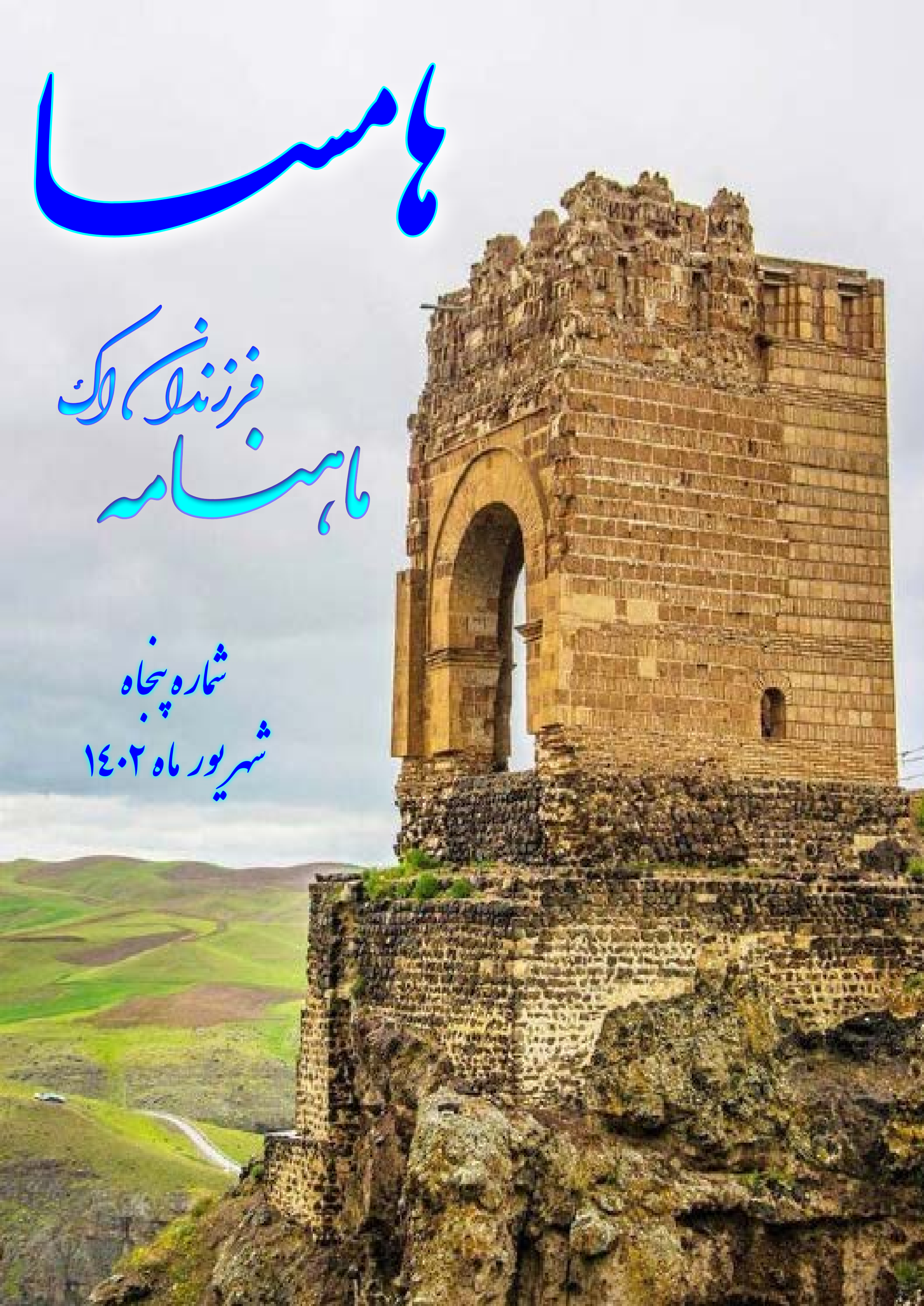


# پاسا

فرزند ملک  
ماہنامہ

شماره پنجاه  
شہر پور ماہ ۱۴۰۲



# مجموعه

## فهرست مطالب

- زندگی شخصی و معنوی ..... ۳
- داستان تازه وارد ..... ۸
- تاریخچه موسیقی ..... ۱۰
- فرزند خدا ..... ۱۴
- انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علائم آنها ..... ۱۵
- تجربه شیدا ..... ۱۹
- زرتشت ..... ۲۰
- گزیده‌ای از شراب ناب ..... ۲۴

شماره پنجاه

سپتامبر ماه ۱۴۰۲



# زندگی شخصی و معنوی



البته در ابتدا از طریق مطالعاتی که داریم این جرقه برای ما زده می‌شود، ولی باید بدانید فقط در حد خواندن و دانستن نیست. در تعالیم اک ما تحت آموزش و تعلیم از طریق معلم معنوی قرار می‌گیریم تا بتوانیم بعد از آشنایی با جنبه‌های بُعد درونی خود، آن را تجربه کنیم. زندگی شخصی شامل تمامی افکار، احساسات، تعقل و تأثیرات ما از زندگی‌های گذشته و زندگی کنونی است. دامنه‌ی این تأثیرات وسیع است. از اولین واحد اجتماعی که خانواده است، گرفته تا محیط پیرامون ما، روابط با اطرافیان، دوستان و همکاران، شهر، جامعه، فرهنگ و کشور که هر یک به نوعی بر اخلاقیات و باورهای ما تأثیرگذار هستند و انتخاب‌های ما را در زندگی شخصی اعم از ازدواج، شغل، روابط و حتی در جزئی‌ترین امور شخصی مثل لباس پوشیدن و غذا خوردن و... تحت تأثیر قرار می‌دهند.

یکی از عواملی که کمک به رشد ما در طی مسیر معنوی می‌کند این است که در وهله‌ی اول از دو جنبه‌ی زندگی شخصی و زندگی معنوی شناخت لازم را کسب کنیم و حد و مرز بین این دو جنبه را تشخیص دهیم. ما حتی اگر آگاه هم نباشیم یک بُعد درونی و معنوی داریم. اکثر انسانها به این جنبه از بُعد خود آگاه نیستند و باور ندارند و یا اگر شناختی هم داشته باشند، صرفاً در حد یک سری نوشته‌ها یا مستندات است.



فلسفه زندگی  
با اتمت





# زندگی شخصی و معنوی



اگر اندکی بر روی زندگی شخصی خود تمرکز کنیم، می بینیم که همه‌ی جوانب آن بر پایه‌ی انتخاب‌های ریز و درشت ما است. ما انتخاب می‌کنیم، عمل می‌کنیم ... و البته دو سوم انتخاب‌های ما نا آگاهانه و اشتباه و بر پایه‌ی واکنش‌های احساسی، عاطفی است.

اولین مرحله از شناخت بُعد درونی، همین واکنش‌ها هستند؛ این به این معنی است که ما هر چه می‌بینیم، می‌شنویم و یا می‌خوانیم، در درونمان یک واکنش نسبت به آن شکل می‌گیرد، پس این نشانگر بُعد درون ماست. در ابتدای مسیرمان در اک این دو بُعد در هم تنیده شده‌اند و بسیار ارتباط محکم و قوی‌ای دارند، ولی وقتی با آموزش‌های اک جلو می‌رویم، آرام آرام با شناخت بیشتر و انجام تمرینات و مراقبات مربوطه، فاصله‌ی بین این دو زندگی بیشتر می‌شود و ما می‌توانیم کنترل زندگی شخصی خود را در دست بگیریم و از ورود خیلی چیزها به درون جلوگیری کنیم، زیرا در درون است که ما بُعد برتر یا خویش برتر خود را که از جنس روح الهی یا اک است، تجربه می‌کنیم و به مرور زندگی در این بُعد برتر را یاد می‌گیریم.

فلسفه زندگی  
با اتمت نام





# زندگی شخصی و معنوی



اک تنها طریقی است که به ما می‌آموزد چگونه در زندگی معنوی خود بیدار شده و به آن متصل شویم. زندگی شخصی بر پایه‌ی انتخاب‌های درست یا غلط ما است، ولی پس از گذراندن درسهای خودشناسی و بیداری در خویش برتر زندگی معنوی تبدیل به نوعی سرسپردگی در برابر روح الهی می‌شود، که از طریق خویش برتر ما را هدایت می‌کند.

زندگی زمینی تنها محکی کوتاه از روح مقدس در مقابل انتخاب‌ها و گرایشات درونی ماست ...

باید هوشیار باشیم. کسانی که صرفاً به زندگی مادی جذب می‌شوند، برای این آزمون باید بارها و بارها بازگردند ...



این زندگی مدرسه‌ای بیش نیست، مدرسه‌ای برای کسب تجربه و فراگیری درس‌های نهفته در تجربیات آن است، اما در حقیقت ما باید هوشیار و آگاه به گرایشات درونیمان باشیم که به کدام سمت و سو ما را هدایت می‌کنند. آیا ما را به سمت دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های این جهان فیزیکی می‌کشانند یا نه، تمایل درونی ما به سمت رهایی و آزادی از این قید و بندها است؟ در زندگی تمامی شکست‌ها، فرصت‌هایی برای رشد روحانی ما هستند. ارزش‌های شکست‌هایمان بیش از موفقیت‌های زندگی است، زیرا در هر شکست، نیرومندتر و قوی‌تر خواهیم شد؛ در صورتی که معانی درونی شکست‌ها را دریافت کنیم.



ما هستیم





# زندگی شخصی و معنوی



تمامی شکست‌ها و عدم موفقیت‌ها باعث نیرومند شدن بازوهای معنوی ما می‌شود. در آنها درس‌هایی نهفته است که فرصت‌های رشد و تقویت زندگی معنوی ما را فراهم می‌کند.

دانستن این نکته که آگاهی معنوی ما را به حقیقت درونیمان متصل می‌کند، به نوعی یک هارمونی و همسویی با عملکرد روح مقدس در وجود ما است. زندگی در میان آدمیان تنها برای قوی کردن استحکامات زندگی معنوی ما به عنوان روح است. آنچه که لازم داریم درس‌هایی است که فرصت یادگیری آنها در این زندگی فراهم است، مابقی خیالی زودگذر است.



تفاوت زندگی شخصی با زندگی معنوی در این است که زندگی شخصی بر پایه‌ی انتخاب‌های ما است، اما زندگی معنوی در واقع زندگی در فیض خداوند است. فیض آن مشیتی است که روح مقدس، آزادی و رهایی از جهان‌هایش را برای ما به ارمغان می‌آورد، اما زندگی شخصی بر پایه‌ی تقدیر است و تقدیر آن است که در مقابل انتخاب و عملکردهایمان، کارما حاکم سرنوشت ما است.

فلسفه زندگی  
با حقیقت  
پایان





# زندگی شخصی و معنوی



فاصله زندگی معنوی گاهاً با زندگی شخصی نزدیک است، اما این فاصله به مرور بیشتر و بیشتر می‌شود. این طبیعی است، چرا؟ چون روند اک در زندگی ما، بستگی به نوع دیدگاه ما به اک ندارد. اک بر طبق مشیت عمل می‌کند نه کارما. اما کارما انعکاس عملکرد ما و انگیزه‌های ما است.

ما مسئول آنچه هستیم که انجام می‌دهیم. این قانون از حیوان موکتی بر می‌خیزد.



کسی که آزاد است، مسئولیت‌پذیرتر است، اما فیض داستان دیگری دارد. ما در اک هستیم، چون مشیت چنین بوده است.

بعد از مدتی از اک خارج می‌شویم. این انتخاب ما است، پس فیض نیست. بنابراین زندگی شخصی، حاصلی از روابط کارمیک ما است و زندگی معنوی به نحوه‌ی ورود فیض الهی در زندگی ما بستگی دارد. اینکه ما چگونه‌ایم و چه هستیم و چه کرده‌ایم، برای اک اهمیتی ندارد؛ چون اک فرای کارما عمل می‌کند و لبریز از بھاکتی است. زندگی شخصی تصویری ناپایدار و زود گذر است. تنها زندگی معنوی الگویی برای رشد در اقلیم خداست.

فلسفه زندگی  
ما





# داستان تازه وارد



۲۲ سال قبل، بعد از اولین ملاقاتم با شمس، او قلمی با نوک سبز رنگ به من داد و اجازه داد در مورد چهره و مشخصات او در دفتر ثبت تجربیاتم، بنویسم. در آن دوران آن قلم را نوعی هدیه می‌دانستم، اما بعدها که دوباره او را ملاقات کردم، فهمیدم شمس مرا به نوشتن کتاب ترغیب می‌کرد. او چند زندگی قبلی من را نشان داد که کاتب و نویسنده بودم.

در یکی از شب‌ها از جسم خارج شدم. خودم را در صندلی عقب یک ماشین دیدم. یک خانم با موهای بلوند سمت راستم نشسته بود و مردی نیز سمت چپ و من بین آنان نشسته بودم. متوجه شدم آن بانو کتابی در دست دارد. او به مرد دیگر و راننده گفت: «می‌دانید یک کتاب جدید منتشر شده است؟». آنها با تعجب گفتند: «چه کتابی؟». ناگهان اسم کتاب مرا برد و گفت: «نویسنده‌اش جالب است، یک تازه وارد به اک است». آنها پرسیدند: «نامش چیست؟». گفت: «کمال الماسی».



با دیدن آن زندگی‌ها، استعداد پیشینم کم‌کم بازگشت و من اولین کتابم را نوشتم تحت عنوان: «خودشناسی و کلید ادراک معنوی». کتاب کوچکی که تنها حدود ۵۰ صفحه بود. آن را چاپ و منتشر کردم. با خوشحالی به تهران رفتم و کتابم را به مؤسساتی که تعالیم اکنکار را ترویج می‌کردند، معرفی کردم. آنها شدیداً مخالفت کردند. در آن دوران برخوردشان برای من قابل هضم نبود. بسیار دلگیر شدم. روزها گذشت و من دست به قلم نمی‌بردم و دیگر ناامید شده بودم.

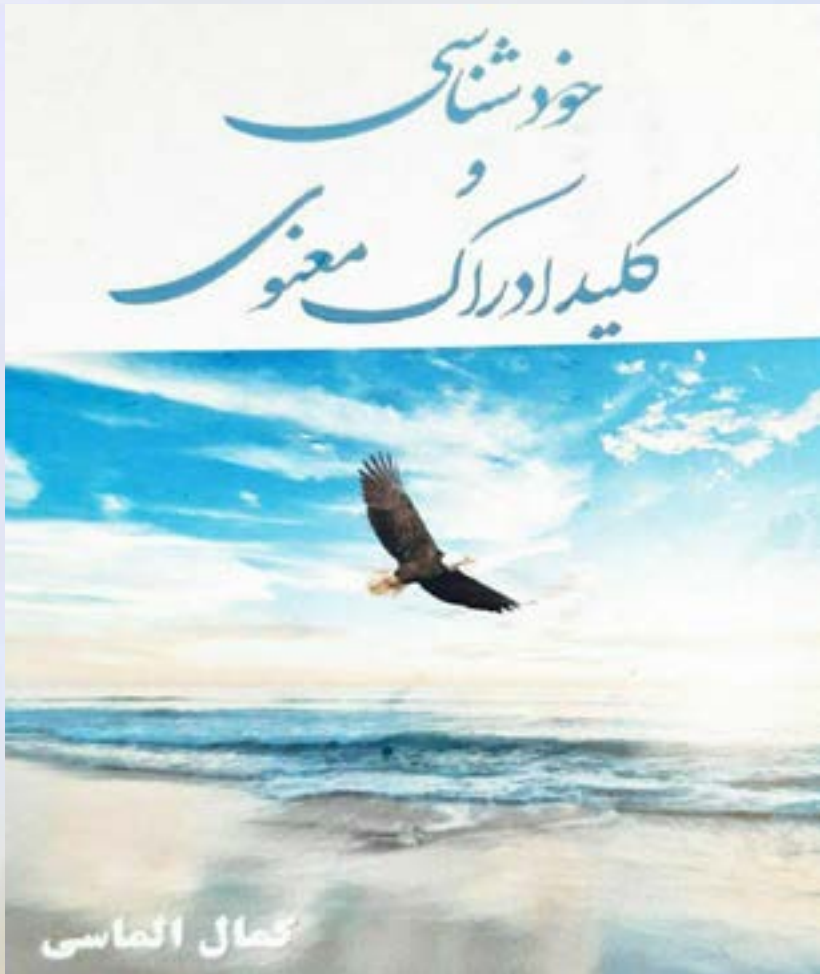
فهرست مطالب  
کمال الماسی







# داستان تازه وارد



من در آن لحظه شوکه شده بودم. بعد همان خانم گفت: «ببینید! تمامی این شهر مملو از تابلوهای معرفی این کتاب شده است.» وقتی به بیرون از شهر نگاه کردم، آنجا شهر آگام دس بود که حدود ۵ تا ۱۰ هزار نفر جمعیت داشت؛ یکی از شهرهای مخفی که حوالی هیمالیا است. آن بانو نیز یکی از استادان گمنام اک بود.

به جسم بازگشتم و با خوشحالی گفتم: «تهران چیست؟ کتاب‌های من در آگام دس منتشر می‌شود!».

و برای همیشه با اشتیاق به نوشتن کتاب‌هایم ادامه دادم. آن قلم جادویی شمس، چنین قدرتی داشت و من نمی‌دانستم! بعدها کسانی که با کتاب و آثار من مخالف بودند، نه تنها اکنکار، بلکه تعالیم اک را نیز ترک کردند. اما من با نوشتن کتاب و مقاله و اجرای کارگاه و ست‌سنگ، ده‌ها هزار نفر را با اک آشنا کردم. این قدرت سحرانگیز اک و قلم شمس تبریزی بود.

نویسنده: کاتب

فهرست مطالب  
پایانی



صفحه ۹



# تاریخچه موسیقی

(بخش دوم)



پزشکان، موسیقی را به دو دسته مفید و غیر مفید تقسیم کرده‌اند: از نظر آنها موسیقی مفید، آنهایی هستند که دارای هارمونی، نظم و ریتم مناسبی می‌باشند که باعث ترشح هورمون‌ها و تقویت سیستم ایمنی بدن هستند.

آنها دریافته‌اند که سلامتی و بیماری بر اثر هارمونی و عدم هارمونی فیزیک به وجود می‌آید؛ از این رو نظم، قدرت و ریتم موسیقی را بر روی ذهن، عواطف، سلول‌های مغزی، حافظه، سیستم ایمنی بدن و خلاقیت تأثیرگذار دانسته‌اند.



موسیقی بخش عمده و بسیار مهمی از زندگی انسان‌ها است. مراسمات مذهبی، جنگ، شکست، پیروزی، جشن، تفریح، تولد و مرگ، تمامی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، همگی آمیخته با موسیقی است و تأثیر به‌سزایی بر جسم و روان دارد.

چهار هزار و پانصد سال پیش در چین، پادشاهی دستور داد که با تأثیرپذیری از صدای پرندگان، جویبار و طبیعت چین، موسیقی آرامش‌بخشی برای سلامتی جسم و روح اختراع شود.

شاید او نیز همچون فیلسوفان دیگر، از تأثیرات موسیقی بر سلامتی انسان، آگاه بوده است



فهرست مطالب



صفحه ۱۰

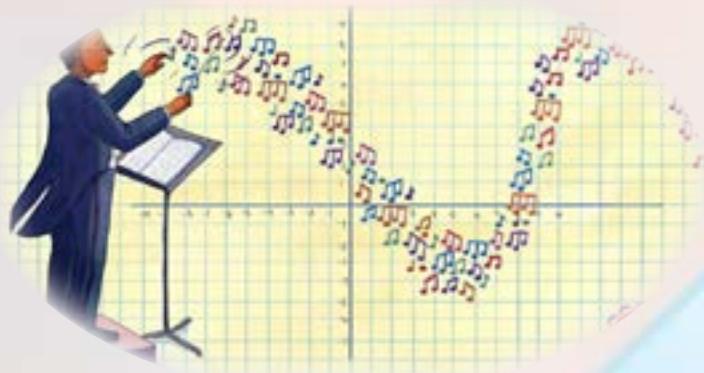


# تاریخچه موسیقی

## (بخش دوم)



در گذشته نیز استادان، فلاسفه و پزشکان بزرگی همچون افلاطون، ارسطو، سقراط، جالینوس، فیثاغورث، کنفوسیوس، فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و برخی دیگر از موسیقی برای سلامتی و بهبود بیماری‌ها سود می‌جستند. ابن سینا پزشک مشهور ایرانی، موسیقی را درهم‌آمیختگی علم و ریاضی می‌دانست با ایجاد نغمه‌هایی دلنشین. استاد و فیلسوف بزرگ، ارسطو نیز موسیقی را یکی از شاخه‌های ریاضی می‌دانست. او می‌گفت: «موسیقی حکمتی است که آنچه بشر نمی‌تواند بیان کند، به وسیله‌ی آن به اصوات تبدیل می‌کند».



افلاطون سبک‌هایی که باعث حُزن و اندوه بودند را جایز نمی‌دانست. معتقد بود آنهایی که باعث مستی، رخوت، تبلی و هیجان هستند، بر سلامت فکر و فیزیک تأثیرات منفی می‌گذارند. او بعضی از سازها را غیرضروری می‌دانست؛ مثلاً سازهایی که سیم و پرده‌های پیچیده داشتند، اما سازهایی همچون قانون، چنگ و نی را پیشنهاد می‌داد. بی‌مبالاتی است اگر موسیقی را تنها یک هنر بدانیم و یا به مثابه احساسات و تفریح.

موسیقی در یک جامعه، زبان و یا قبیله‌ای خلاصه نمی‌شود، بلکه زبانی بین‌المللی است که با همه‌ی انسان‌ها جدا از نژاد و گویشی که دارند، ارتباط می‌گیرد. در واقع زبان دل است؛ آنچه در وجود آدمی است را با الحان و اصوات بیان می‌کند. موسیقی در هم‌آمیختگی سکوت و صدا است. مهم‌ترین عامل آن ریتم است. ترکیبی از دانش، آوا و هارمونی است. سخنی با روح دارد و در تکامل بشر به سوی معنویت، رشد و آگاهی، گویی همزاد بشر بوده است.

فلسفه زندگی  
با حمت



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۱



# تاریخچه موسیقی

(بخش دوم)



سمع به معنای شنیدن است؛ شنیدن نغمات آسمانی که با شنیدن آن اصوات الهی به وجد در آمده و به رقص و آواز و پایکوبی پردازند.

آنان که نگاهی قدسی و آسمانی به موسیقی دارند و آن را صدای افلاک می‌دانند، با شنیدن موسیقی، آن حالت جذبه و اشتیاق و رقص در آنان به وجود می‌آید.

مولانا در شناخت و توسعه‌ی این مراسم و آیین به جهان، نقش بزرگی داشته است. او از موسیقی به عنوان هنری متعالی یاد کرد، همچنین معتقد بود موسیقی از اصوات آسمانی برگرفته شده است؛ آنچه موزون است، موسیقی است و آنچه ناموزون اضطراب.

مجالس او همواره با سماع و موسیقی، دف و نی و رباب همراه بود. در نواختن ساز رباب، استاد بود و تغییراتی نیز در آن به وجود آورد.



عرفا نیز آن را در جهت رشد معنوی انسان، نیکو دانسته‌اند.

برخی آن را غذای روح و برخی نیز موسیقی را تأثیرات اصوات آسمانی دانسته‌اند که بر اشعار و سروده‌های آنان تأثیرگذار بوده است، چنانچه کلام مولانا و بایزید را موزون، خوش الحان و دارای نظم و قافیه می‌دانستند و آن را حاصل نغمه‌های بهشتی.

اشعار و سروده‌های عرفانی نیز همواره با موسیقی عجین بوده‌اند.

گروه‌های عرفانی نظیر صوفیان و افرادی که پیرو سیر و سلوک معنوی هستند، اشعار و مدح‌هایی را با موسیقی در هم می‌آمیزند و به آنچه که به آن جذبه‌ی عرفانی می‌گویند به حالت رقص و سماع می‌پردازند.

فهرست مطالب



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۲



# تاریخچه موسیقی

(بخش دوم)



موسیقی در طبع و سرشت آدمی نهفته است و شنیدن آن، منزل حقیقی و بودن در حضور خداوند را متجلی می‌کند و این دلیلی است که چرا انسان همواره با موسیقی زیسته است. هرچه آگاهی انسان بازتر و بیشتر می‌شود، شنود موسیقی و اصوات آسمانی برای او بیشتر خواهد شد؛ زیرا که روح برای بازگشت به مصدر و منزل اصلی خود تابع صدای سپید بهشتی و نغمه‌ی الهی است که در مکاتب و مذاهب مختلف نام‌های متفاوتی دارد که در اک آن را به نام بنی می‌شناسیم که به معنای سخن بهشتی یا نغمه خالص است و آن را موسیقی باشکوه بهشتی نیز می‌نامند. شنیدن آن، به کلمات در نمی‌آید و واژه‌ای برای توصیف آن نیست؛ اما اساس و بنیاد تمامی هستی و آفرینش است که همه چیز را حیات می‌دهد. تمامی اصوات در جهان‌های معنوی و آفرینش، تجلیات صوت اصلی هستند. شنیدن این سمفونی آسمانی، با مناسبات و آیین‌های مذهبی و دینی، تفکرات فلسفی و اخلاقیات و خیرات شنیده نمی‌شود، چون اساساً با زنگارهای آگاهی انسان سنخیتی ندارد، اما بر همه چیز تأثیرگذار است. آن موسیقی الهی به گوش جسم قابل شنیدن نیست، اما با گوش روح قابل شنیدن است و همه قابلیت شنیدن آن را دارند اگر در پرورش و توانایی شنیدن آن همت کنند. بنابراین می‌بینیم که موسیقی، تنها شاخه‌ای از ترانه الهی است؛ زیرا تنها موسیقی، زبان بیان آن را برای انسان دارد. موسیقی هنری جدانشدنی از زندگی انسان است و اولین هنری بود که پا به عرصه وجود نهاد.

فلسفه زندگی  
با همت





روزی چند فرشته، مردی را دیدند که در میان آتشی عظیم قرار گرفته بود. آنها برای نجات او سریعاً اقدام کردند، اما آتش بال‌های فرشتگان را سوزاند، در حالی که به نزدیکی او نیز نرسیده بودند. فرشتگان متعجب شدند که چرا آن مرد در آتش نسوخته است. بارها سعی کردند او را از آتش نجات دهند، اما هر بار آتش به بال‌های آنان حمله می‌کرد.



مستأصل شدند. فرشتگان به نزد خداوند رفتند و گفتند: «ما هر کاری کردیم نتوانستیم یکی از فرزندان را از آتش نجات دهیم».

خداوند پاسخ داد:

«او در آتش عشق من می‌سوخت. چگونه اجازه می‌دهم کسی در آن آتش عظیم عشقِ او وارد شود؟».

فرشتگان گفتند: «مگر او کیست؟ چیست؟».

خداوند گفت: «او سفیر روح است».

نویسنده: کاتب



## انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علائم آنها (بخش دوم)

سوراخ ماکولار:

سوراخ ماکولار نیز مانند پارگی شبکیه است. در این حالت نیز کشش بین زجاجیه و لکه‌ی زرد (ماکولار) شبکیه منجر به ایجاد پارگی در ماکولار می‌شود. علت ایجاد سوراخ ماکولار در بیشتر مواقع افزایش سن است. برخی از آسیب‌های فیزیکی نیز می‌توانند منجر به ایجاد حفره در ماکولار شوند.

غشاهای اپی رتینال (ERMs):

این غشاها ماکولوپاتی سلوفان نیز نامیده می‌شود، از لایه نازکی تشکیل شده که در سطح داخلی شبکیه قرار دارد. این لایه معمولاً بافت زخمی‌شده‌ی ناشی از بیماری یا آسیب فیزیکی است. غشاهای اپی رتینال معمولاً علائمی ایجاد نمی‌کنند مگر اینکه ماکولا یا همان لکه‌ی زرد در بخش مرکزی شبکیه را تحت تأثیر قرار دهند. لکه‌ی زرد نقش بسیار مهمی در دریافت جزئیات تصاویر و ویژگی‌های نور دارد. در صورت ایجاد غشاهای اپی رتینال ممکن است فرد دچار دید نامنظم در مرکز میدان دید خود شود.

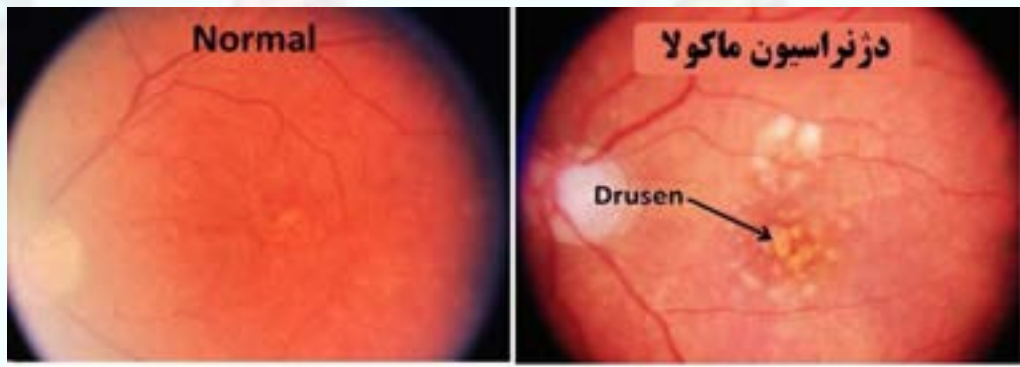


فقه زبیدی الکترونیک  
پایه هفتم





## انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علائم آنها (بخش دوم)



### تخریب ماکولار:

تخریب یا دژنراسیون ماکولار به این علت که در بین افراد در سنین بالا شایع‌تر است، تخریب ماکولار مرتبط با سن نیز نامیده می‌شود. در این حالت لکه‌ی زرد که در مرکز شبکیه قرار دارد به تدریج تخریب و منجر به آسیب به بینایی می‌شود. این بیماری ممکن است با گذشت زمان پیشرفت کند و با آسیب بیشتر به ماکولار، در نهایت منجر به نابینایی فرد شود.

### التهاب شبکیه‌ی چشم:

رتینیت یا التهاب شبکیه‌ی چشم معمولاً در اثر ویروس‌ها یا باکتری‌ها به وجود می‌آید. برخی بیماری‌ها مانند سفلیس، بیماری لایم، تب دنگی، بیماری‌های خودایمنی مانند بیماری بهجت و لوپوس می‌توانند عامل التهاب شبکیه‌ی چشم باشند.

### رتینیت پیگمنتوزا:

این بیماری یک بیماری نادر و دژنراتیو یا تخریب‌کننده است که منجر به آسیب و از دست رفتن سلول‌های شبکیه‌ی چشم می‌شود. این بیماری که به صورت ژنی ایجاد می‌شود، می‌تواند در نهایت به از دست رفتن بینایی منجر شود.

فهرست مطالب  
پایان







## انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علائم آنها (بخش دوم)

ادم ماکولار:

زمانی که مایعات در ماکولار یا لکه‌ی زرد تجمع یابند می‌توانند باعث ورم شوند و ادم ماکولار را ایجاد کنند. دیابت، تخریب ماکولار مرتبط با سن و همچنین انسداد عروق شبکیه می‌توانند منجر به ایجاد ادم ماکولار شوند.

رتینوبلاستوما:

نوعی از سرطان که شبکیه‌ی چشم را درگیر می‌کند، رتینوبلاستوما نام دارد. رتینوبلاستوما شایع‌ترین سرطان چشم در بین نوزادان و کودکان است. شایع‌ترین علامت این بیماری این است که در هنگام عکاسی، چشم کودکان به شکل قرمز در نمی‌آید، در حالی که معمولاً در افراد سالم پس از عکاسی مردمک چشم به شکل قرمز در عکس ظاهر می‌شود.

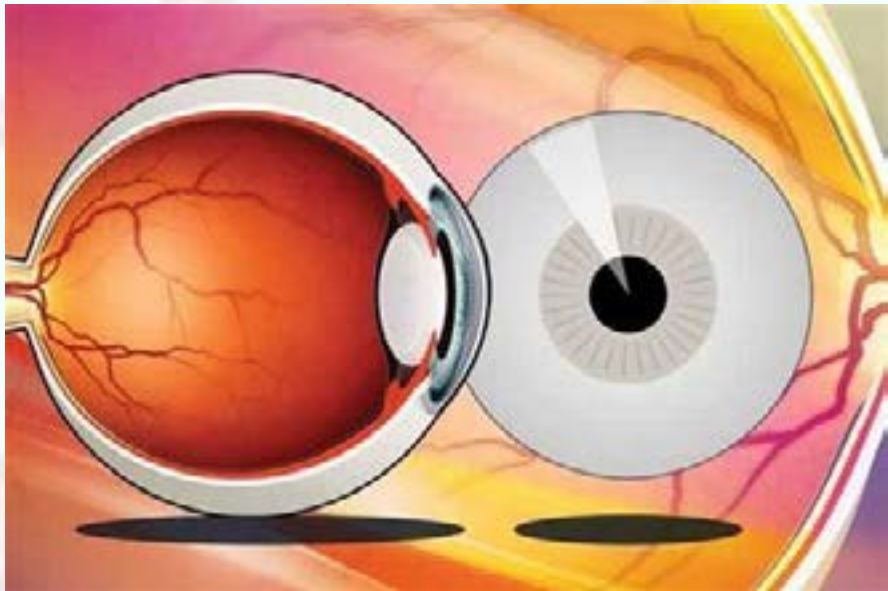
انسداد ورید شبکیه:

این حالت که به نام سکنه‌ی چشمی نیز شناخته می‌شود، نوعی اختلال در عروق خونی است در اثر آن عروق مرتبط با شبکیه، دچار انسداد می‌شوند. در نتیجه‌ی انسداد ورید شبکیه، مایعات و خون به شبکیه نشت پیدا می‌کنند. انسداد مسیر خون می‌تواند منجر به مرگ اعصاب مرتبط با بینایی شود و در نتیجه بینایی به صورت دائمی از دست برود، بنابراین این شرایط باید جدی گرفته شود.





## انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علائم آنها (بخش دوم)



زمانی که شبکیه دچار آسیب شود، ممکن است علائم زیر بروز کند که بین مشکلات مختلف مرتبط با شبکیه مشترک هستند:

- مشاهده‌ی فلاش نور
- مشاهده‌ی ذرات معلق در هوا به صورت ناگهانی
- تغییر در بینایی
- تاری دید یا نداشتن تصویر از برخی نقاط میدان دید
- کاهش دید مرکزی یا جانبی (در این حالت زمانی که فرد به جایی نگاه می‌کند بخش جانبی یا مرکزی تصویر ایجاد شده در مغز دچار تاری و نبود تصویر می‌شود، اما سایر نقاط میدان دید، تصویر طبیعی دارند)
- از دست دادن ناگهانی بینایی
- تغییر در درک رنگ‌ها
- دشواری دیدن در تاریکی
- مشکل در تنظیم بینایی هنگام تغییر نور

در صورتی که هر کدام از این مشکلات وجود داشته باشند، لازم است تا هر چه سریع‌تر به پزشک متخصص مراجعه شود؛ زیرا آسیب شبکیه و اعصاب مرتبط با آن می‌تواند منجر به نابینایی دائمی شود.

پایان

فهرست مطالب



صفحه ۱۸



# تجربہ شبیلہ

آشرام



ساعت ۵ صبح رؤیایی داشتم که اصلاً خواب عمیق نبودم؛ انگار بیدار بودم. به نظرم آشرام را در رؤیا می‌دیدم، مانند همان بناهایی که معلم عکسشان را در گروه گذاشته بودند، جمعیت زیادی آنجا بود.



معلم را دیدم که نزدیک درب یکی از اتاق‌ها ایستاده و درب اتاق را باز کرده بودند. با دست جلوی شیرهای بزرگ و زرد رنگی که می‌خواستند بیرون بیایند را گرفته بودند و هر از چندگاهی دستشان را رها می‌کردند. یکی از شیرها به سرعت از اتاق خارج می‌شد و به دنبال جمعیت می‌رفت. اتاق همچنان پر از شیرهای زرد، بزرگ و قوی هیکلی بود که آماده‌ی اجازه‌ی معلم برای خروج بودند. من به همراه کل خانواده‌ام بودم. در حالی که برای معلم دست تکان می‌دادم، با خانواده‌ام از کنارشان رد شدیم و به دنبال جمعیت وارد سرسرای بزرگی شدیم.

فصل پنجم  
ماهی





# زرتشت



زرتشت (در اوستا) رهبر، اصلاح‌گر دینی، فیلسوف و شاعر ایرانی بود و به پیروانش آموخت که هستی میدان نبرد نیروهای خیر و شر است و انسان آزاد است جایگاه خود را در این مبارزه انتخاب کند. زمان دقیق زندگی زرتشت مشخص نیست. نوشته‌های سنتی برآوند که او ۲۵۸ سال پیش از اسکندر یا ۵۰۰۰ سال پیش از خشایارشا زبسته است. با این حال پژوهشگران جدید، زمان زندگی او را هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌دانند.

محل دقیق زندگی او نیز مشخص نیست، اما به رغم اکثر مورخان و باستان‌شناسان امروزی، آنچه که مشخص است که در شمال شرق ایران زندگی می‌کرده است. درباره‌ی دوران زندگی زرتشت آگاهی و اطلاعات درستی در دست نیست، اما قدر مسلم این است که دانشمندان و پژوهشگران بر اساس پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام‌شده، زمان زندگی وی را از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌دانند. آموزه‌ها و فلسفه و جهان‌بینی زرتشت از همان دوران کهن مورد توجه حکما و فلاسفه‌ی بزرگ جهان بوده است. اندیشمندان جهان باستان چون فیثاغورث، ارسطو و افلاطون با افتخار و غرور از زرتشت و فلسفه‌ی او یاد کرده‌اند. در حکمت اشراق، دیدگاه‌های وی زمینه‌ساز بسیاری از تحولات در فلسفه و حکمت شد. از افلاطون تا هگل، همه از فلسفه‌ی عمیق و متفاوت زرتشت بهره برده‌اند، تا جایی که نیچه شخصیت برتر را در وجود این بزرگ مرد تاریخ، یافته و معرفی کرده است.

فلسفه زرتشت  
با اوستا





# زرتشت



زرتشت نخستین کسی بود که در دوران کهن خدای واقعی را شناخت و یکتاپرستی را مطرح کرد. در فلسفه بر آن اعتقاد بود که دو گوهر همزاد در آغاز آفرینش در عالم تصور، وجود یافتند که یکی نیکی و آن دیگری بدی است. اساس حرکت، جنبش و زندگی از برخورد این دو است و این هدف هیچ ارتباطی با ذات خداوند ندارد. در نهاد آدمی هم شر هست و هم خیر و پروردگار بشر را آزاد و با اختیار و اراده‌ی کامل آفرید. فرد خردمند باید از میان نیک و بد، نیک را برگزیند.



زرتشت بر علیه خرافات و موهومات دوره‌ی خود قیام کرد. قربانی و پیشکش، نذرها و پرداخت باج و خراج به کاهنان و قبول زور و بیداد از سوی فرمانروایان خودکامه و زهد و ریاضت را مردود شمرد و آنها را کردار اهریمنی معرفی کرد. بسیاری از طبقات و گروه‌های اجتماع آن روز که موقعیت و سود خود را در خطر دیدند، بر علیه او قیام کردند؛ اما زرتشت با مقاومتی صبورانه ایستادگی کرد و در انجام رسالت خویش کامیاب شد.

فلسفه زرتشتیان  
با اتمت نام





# زرتشت



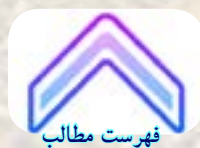
سروده‌های زرتشت که در میان تمام آثار دینی جهان مشخص و متمایز است، به آن گات‌ها می‌گویند. گات‌ها سروده‌های زرتشت است که با صدای خوش و آهنگین خوانده می‌شود و ۱۷ قطعه می‌باشد. سایر بخش‌های اوستا به زرتشت ارتباطی ندارد و بعدها به این اندیشمند و پیامبر کهن نسبت داده شده است؛ زیرا تفاوت در سبک و معنی و مفاهیم، این مورد را کاملاً روشن می‌کند.

زرتشت می‌گفت: سخنان و آموزه‌هایی برای شما می‌گویم که کسی تا کنون نگفته و نشنیده است.

او با قاطعیت پرستش خدایان گوناگون را با آن همه مراسم وقت‌گیر و دشوار و غیر اخلاقی و غیر انسانی رد کرد. مسئله‌ی شر را به شکلی حل کرد. اراده و اختیار آدمی را در گزینش، به نوعی توجیه کرد که هنوز نه در فلسفه، حکمت و الهیات توحیدی شناخته شده در آن دوران، روشن و قانع‌کننده بیان نشده بود. او آموزه‌های اخلاقی را ابلاغ کرد که فاقد هرگونه تشریفات و مراسم افراطی بود.

آموزه‌های زرتشت بعد از او، دیری به صورت اصیل خود نیامید.

فهرست مطالب  
پایان



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی



# زرتشت



کاهنان یعنی کرپن‌ها یا فرمانروایان ظالم و عیاش که دستشان با هم در یک کاسه بود، دوباره سنت‌ها و راه و روش پیشین را که زرتشت با قاطعیت نفی کرده بود، زنده و برقرار کردند و در نهایت انحطاط در دین زرتشت در آن دوران روی داد که متأسفانه بازماندگان بعد از سقوط ساسانیان، انتقال‌دهنده و حامل آیین مزدیسنی (شکل دگرگون‌شده‌ی دین زرتشت) در دوران ساسانی بودند، نه دارندگان پیام‌ها و آموزش‌های راستین زرتشت.



زرتشت بنابر رسالت زمینی‌اش، آتش را پاک نامید، چون او می‌بایست بشر را که موجودی نیمه حیوانی و انسانی است، تعلیم می‌داد و آتش عنصری بود که می‌توانست سایه‌ای از نغمات اک باشد. زمانی که زرتشت از پیغام سرورش صحبت کرد، منظور او تم و نبض سرائوشا، همان صدای سپید بهشتی خداوند بود ...

در شریعت پنجم آمده است:

زرتشت اولین استادی بود که در نزد استادان سوشانی و در محضر مالاتی و اگنوتی تعالیم صوت و نور را آموخت و تعلیم داد. او در فرقه‌ای به نام بانیان که در سه کیهان اثیری، علی و ذهنی معابد خویش را بنا نموده‌اند، توسط سری مالاتی و اگنوتی تعلیم یافت. بانیان آتشی بر فراز معابد خود نگه می‌دارند. این معابد در رفیع‌ترین قله‌های رشته کوه‌های زیناروس در طبقه علی، در اوج عظمت در حال فوران نوری هستند که از دور چون شعله‌های آتش زمینی دیده می‌شوند.

پایان

فهرست مطالب



صفحه ۲۳



# گزیده لای از شراب ناب



تنهایی غمی شیرین است...  
که در شراب سکوت به تو دهند...  
بنوش که شراب ازل ناب است و تورا  
به سکوت دل مست کند...  
آنکه به سکوت دل، مست شد...  
خداوند را در شیرینی غمش خواهد یافت...



نویسنده: کاتب

فهرست مطالب  
پشت پرده کاتب



صفحه ۲۴



## به نام بنی

نشریه‌ی هامسا ماهنامه‌ی فرزندانِ اِک متعلق به بنیاد بنی فرزندانِ اِک می‌باشد. این موسسه در کالیفرنیا آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می‌باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندانِ اِک اعم از کتاب‌های تالیف و ترجمه شده از جمله کتاب‌های نوشته شده توسط بنیانگذار موسسه، مقالات، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و ست‌سنگ‌های نوشته شده، متعلق به اِک (بنی) و بنیاد بنی فرزندانِ اِک و متعلق به فرزندانِ اِک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره‌ی نشریه برگرفته شده از مقاله‌ها و ست‌سنگ‌های واصلین برتر، مهدیس‌ها و آرا‌هات‌های مجموعه‌ی بنیاد بنی، تجارب فرزندانِ اِک، کتاب‌های اِک، سایت‌های ویکی پدیا و سایت‌های علمی می‌باشد که توسط تیم نشریه جمع‌آوری و ویرایش شده است. برخی از مقاله‌ها و مطالب نیز بر مبنای تحقیقات و دریافت‌های فرزندانِ اِک تهیه و تالیف شده است، همچنین بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندانِ اِک طراحی و ترسیم شده است.

چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با تعالیمِ اِک و یا مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، یا مایلید تجارب معنوی شما هم در شماره‌های بعدی نشر گردد، آثار و تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. همچنین می‌توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق کاربری روابط عمومی یا ایمیل موسسه در میان بگذارید.

برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اِک)، ما را در وبسایت و شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید.

وبسایت بنی ..... [www.Bani-foundation.com](http://www.Bani-foundation.com)

کانال یوتیوب فارسی بنیاد اِک ..... <https://www.youtube.com/.../>

روابط عمومی ..... [T.me/Bani\\_Pr](https://t.me/Bani_Pr)

ایمیل روابط عمومی ..... [Banifoundation.pr@gmail.com](mailto:Banifoundation.pr@gmail.com)

لینک کانال‌های مجموعه ..... <https://linktr.ee/banifoundation>

برکت باشد

